

مفاهیم کلیدی در

جغرافیای اقتصادی

یه کو آنویاما، جیمز تی. مورفی و سوزان هانسون

ترجمه:

دکتر علی ولیقلی زاده

(عضو هیأت علمی دانشگاه مراغه)

همراه با اضافات

سرشناسه	آتویاما، یوکو Aoyama, Yuko
عنوان و نام پدیدآور	مفاهیم کلیدی در جغرافیای اقتصادی / تألیف یوکو آتویاما - جیمز تی. مورفی - سوزان هانسون ؛ ترجمه علی ولیقلی زاده.
مشخصات نشر	تبریز: عمیدی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۳۵۰ ص.: جدول، نمودار.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۹۰۲-۲۹-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: Key concepts in economic geography, 2010.
موضوع	جغرافیای اقتصادی
موضوع	Economic Geography
شناسه افزوده	مورفی، جیمز تی
شناسه افزوده	Murphy, James T
شناسه افزوده	هنسن، سوزان، ۱۹۴۳ - م.
شناسه افزوده	Hanson, Susan
شناسه افزوده	ولیقلی زاده، علی، ۱۳۶۰ - مترجم
رده - کتبی - کتبی	۱۳۹۶ آ ۲۵/۷ HF۱۰۲۵
ردیف - دیوبی	۹/۳۳۰
شماره کتابشناسی ملی	۲۵۹۸۵۸۰



- نام کتاب: مفاهیم کلیدی در جغرافیای اقتصادی
- تألیف: یوکو آتویاما، جیمز تی. مورفی - سوزان هانسون
- ترجمه: دکتر علی ولیقلی زاده
- ویراستار ادبی: لیلا مهدی نیا
- نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول ۱۳۹۶
- تعداد صفحات: ۳۵۰ صفحه و زبیری
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- ناشر: انتشارات عمیدی
- لیتوگرافی: چاردیز
- چاپ: اعظم
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۰۲-۲۹-۵
- قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

مراکز پخش:

تبریز، خیابان امام، بازار بزرگ تربیت، طبقه پایین، پلاک ۴۰، انتشارات عمیدی، تلفن: ۳۵۳۵۹۶۱
تهران، خیابان لبافی نژاد، بین اردیبهشت و فروردین پلاک ۲۳۸ کتابیران، تلفن: ۶۶۴۱۱۷۳

۶۴.....	قلمروخواهی: دولت‌ها در عمل
۶۵.....	نکات کلیدی
۶۶.....	برای مطالعات بیشتر
۶۶.....	یادداشت‌ها

فصل دوم: محرکان کلیدی تغییر اقتصادی..... ۶۹

۷۱.....	نوآوری
۷۲.....	تکنولوژی در اقتصاد نو کلاسیک
۷۳.....	مکتب اتریشی اقتصاد
۷۴.....	اقتصاد تکاملی
۷۶.....	بهره‌های اقتصادی تکاملی
۷۸.....	روندهای جدید: تحولات نوآوری
۷۹.....	نکات کلیدی
۷۹.....	برای مطالعات بیشتر
۸۰.....	یادداشت‌ها

کارآفرینی..... ۸۳

۸۳.....	کارآفرینی چیست؟
۸۵.....	کارآفرینی و مکان
۸۹.....	شبکه‌ها و کارآفرینی
۹۲.....	مکان، شبکه‌ها و هویت اجتماعی کارآفرینان
۹۳.....	نکات کلیدی
۹۳.....	برای مطالعات بیشتر
۹۴.....	یادداشت‌ها

دسترس‌پذیری..... ۹۷

۹۸.....	دسترس‌پذیری و تحرک‌پذیری
۱۰۰.....	اندازه‌گیری و سنجش دسترس‌پذیری
۱۰۲.....	شبکه‌های حمل‌ونقل و دسترسی
۱۰۳.....	دسترس‌پذیری و نابرابری: حرکت روزانه برای کار
۱۰۶.....	تراکنش میان دسترس‌پذیری مجازی و زمینی
۱۰۸.....	نکات کلیدی
۱۰۹.....	برای مطالعات بیشتر

یادداشت‌ها ۱۰۹

فصل سوم: نقش صنایع و مناطق در تغییر اقتصادی ۱۱۱

مکان‌یابی صنعتی ۱۱۵

اجاره‌بهای مکانی و توزیع کاربری زمین ۱۱۵

نظریه کلاسیک مکان‌یابی صنعتی ۱۱۷

علم منطقه‌ای و انقلاب کمی ۱۲۰

فراتر از نظریه مکان‌یابی ۱۲۲

نکات کلیدی فصل ۱۲۳

برای مطالعات بیشتر ۱۲۴

یادداشت‌ها ۱۲۴

خوشه‌های صنعتی ۱۲۷

تجمع: صرفه‌جویی و اثرات جانبی ۱۲۷

تجمعات مارشالی و نواحی صنعتی ۱۲۹

نواحی صنعتی ایتالیایی ۱۳۰

جغرافیای نوآوری ۱۳۱

خوشه‌های صنعتی پورتر ۱۳۳

هایه‌وی محلی، مجراهای جهانی ۱۳۴

نکات کلیدی ۱۳۵

برای مطالعات بیشتر ۱۳۶

یادداشت‌ها ۱۳۶

نابرابری منطقه‌ای ۱۳۹

منطقه چیست؟ ۱۳۹

اندیشه‌های خودتصادلی و خودنابسامانی میان منطقه‌ای ۱۴۲

نظریه توسعه منطقه‌ای صادرات محور ۱۴۶

توسعه منطقه‌ای و سیاست‌گذاری ۱۴۷

نکات کلیدی ۱۴۹

برای مطالعات بیشتر ۱۵۰

یادداشت‌ها ۱۵۰

پست-فوردریسم ۱۵۳

از تولیددستی تا روش فوردریستی تولید ۱۵۳

۱۵۵	فوردیسم و بحران اقتصادی دهه ۱۹۷۰
۱۵۵	مکعب تنظیم
۱۵۷	تخصص گرایی انعطاف پذیر و انتقادات
۱۵۹	تولید ناب
۱۶۰	فرا تر از پست-فوردیسم
۱۶۱	نکات کلیدی
۱۶۱	برای مطالعات بیشتر
۱۶۱	یادداشت‌ها

۱۶۵	جلد چهارم: جغرافیای اقتصادی جهانی
۱۶۹	۵-۱ پیرامون
۱۶۹	نظریه وابستگی - پایه - سیستم جهانی و مفهوم هسته - پیرامون
۱۷۳	کاربردهای جدید هسته - پیرامون
۱۷۵	نکات کلیدی
۱۷۶	برای مطالعات بیشتر
۱۷۶	یادداشت‌ها
۱۷۹	جهانی شدن
۱۷۹	شرکت‌های چندملیتی و تقسیم بین‌المللی جدید - کار
۱۸۲	محدودیت‌های جهانی شدن اقتصاد
۱۸۴	جهانی شدن، دولت‌ها و بازنگری مقیاس در جغرافیا اقتصادی
۱۸۶	نکات کلیدی
۱۸۶	برای مطالعات بیشتر
۱۸۷	گردش سرمایه
۱۸۷	مارکس و گردش سرمایه
۱۹۰	گردش سرمایه، توسعه نابرابر و راه حل فضایی
۱۹۳	کاربردها و تعمیم‌ها
۱۹۴	نکات کلیدی
۱۹۵	برای مطالعات بیشتر
۱۹۷	زنجیره‌های ارزش جهانی
۱۹۷	از زنجیره‌های کالای جهانی تا زنجیره‌های ارزش جهانی
۲۰۲	ارتقاء در زنجیره‌های ارزش جهانی

۲۰۳	مباحث جدید و تعمیم‌ها
۲۰۴	نکات کلیدی
۲۰۵	برای مطالعات بیشتر

فصل پنجم: بسترهای اجتماعی - فرهنگی تغییر اقتصادی

۲۱۱	فرهنگ
۲۱۲	«چرخش فرهنگی»: مباحث معرفت‌شناختی
۲۱۴	«چرخش فرهنگی»: مباحث موضوعی
۲۱۵	فرهنگ و جهانی‌شدن
۲۱۷	فرهنگ به‌منزله نهاد
۲۱۹	صنایع فرهنگی و تولد فرهنگ
۲۲۱	نکات کلیدی
۲۲۱	برای مطالعات بیشتر
۲۲۱	یادداشت‌ها
۲۲۵	جنسیت
۲۲۵	مفاهیم متغیر جنسیت در جغرافیای اقتصادی
۲۲۸	جنسیت و کار
۲۳۳	نکات کلیدی
۲۳۴	برای مطالعات بیشتر
۲۳۴	یادداشت‌ها
۲۳۵	نهادهای
۲۳۵	نهادهای و توسعه تاریخی سیستم سرمایه‌داری
۲۳۶	نهادهای و توسعه منطقه‌ای
۲۳۹	نهادهای و نابرابری فضایی
۲۴۰	نوع نهادی و چالش همگرایی اقتصادی جهانی
۲۴۱	تحولات جدید و اهمیت بیش از پیش تفکر نهادی
۲۴۲	نکات کلیدی
۲۴۲	برای مطالعات بیشتر
۲۴۳	درهم‌تنیدگی
۲۴۳	مبانی درهم‌تنیدگی
۲۴۵	درهم‌تنیدگی و جغرافیای اقتصادی

۲۴۸	انتقادات وارده به درهم‌تنیدگی
۲۵۰	نکات کلیدی
۲۵۰	برای مطالعات بیشتر
۲۵۱	یادداشت‌ها
۲۵۳	شبکه‌ها
۲۵۳	شبکه‌ها به‌منزله سازمان اقتصادی
۲۵۶	شبکه‌ها به‌منزله سازمان اجتماعی
۲۵۷	نظریه شبکه کنشگران
۲۵۹	انتقادات وارده به شبکه‌ها
۲۶۰	نکات کلیدی
۲۶۰	برای مطالعات بیشتر
۲۶۱	یادداشت‌ها

۲۶۳	فصل ششم. معادلات در حال ظهور در جغرافیای اقتصادی
۲۶۵	اقتصاد دانش
۲۶۶	ظهور کارگران دانش‌بنیان
۲۶۶	از خدمات تا خدمات دانش‌بنیان
۲۶۸	اقتصاد جدید
۲۶۹	طبقه مسلط در اقتصاد دانش
۲۷۱	جغرافیای اقتصاد دانش
۲۷۳	نکات کلیدی
۲۷۳	برای مطالعات بیشتر
۲۷۳	یادداشت‌ها
۲۷۵	مالی‌شدن
۲۷۵	منشأ و مبانی
۲۷۷	مدیریت فاینانس
۲۷۸	سرمایه سوداگرانه و موهوم
۲۷۸	فاینانس در توسعه اقتصادی
۲۷۹	خانوارها و افراد
۲۸۰	بحران‌های مالی
۲۸۲	جغرافیای فاینانس

۲۸۳	 نکات کلیدی
۲۸۴	 برای مطالعات بیشتر
۲۸۴	 یادداشت‌ها
۲۸۷	 مصرف
۲۸۷	 نظریه‌های مکان‌یابی مصرف
۲۸۹	 از خرده‌فروشی تا زنجیره‌های کالای خریدارمحور
۲۹۰	 جامعه مصرف انبوه و عملکرد مصرف‌کننده
۲۹۲	 فضاهای مصرف
۲۹۴	 قدرت مصرف‌کننده
۲۹۶	 نکات کلیدی
۲۹۶	 برای مطالعات بیشتر
۲۹۶	 یادداشت‌ها
۲۹۹	 توسعه پایدار
۲۹۹	 منشأ و مبانی
۳۰۲	 انتقادات وارده به توسعه پایدار
۳۰۳	 جغرافیای اقتصادی و توسعه پایدار
۳۰۵	 نکات کلیدی
۳۰۶	 برای مطالعات بیشتر
۳۰۶	 یادداشت‌ها
۳۱۳	 فهرست منابع

مقدمه مترجم

کتاب حاضر، از جمله کتاب‌های ارزشمند مجموعه کتاب‌های مفاهیم کلیدی در جغرافیای انسانی به حساب می‌آید که توسط انتشارات سیج (SAGE) به چاپ رسیده است. هدف از تهیه این مجموعه ارائه طیفی از نوشته‌ها و ادبیات مرتبط با یکدیگر درباره حوزه‌های مطالعاتی اصلی این رشته علمی بشمار می‌رود. درحالی‌که تاکنون، ظاهراً دانشجویان و دانشگاهیان رشته جغرافیا در ایران ارتباط نسبتاً ضعیفی با مباحث ریز در حوزه مفاهیم کلیدی جغرافیا داشته‌اند که جغرافیدانان از آنها در اندیشه‌های خود درباره جهان پیرامونی و شناخت آن بهره می‌گیرند که این ضعف اساسی و مهم در مرز مطالعه جغرافیای اقتصادی، مثل سایر حوزه‌های اصلی دانش جغرافیا، به عنوان نمونه، جغرافیای فرهنگ، جغرافیای گردشگری، جغرافیای ارتباطات، جغرافیای توسعه، و حتی حوزه‌های معمولی جغرافیا در جامعه دانشگاهی ایران مثل جغرافیای شهری، روستایی و سیاسی به شدت به چشم می‌خورد. در حوزه مطالعه جغرافیای اقتصادی و حتی سایر حوزه‌های مذکور در جامعه دانشگاهی ایران کتاب و حتی ادبیات ریز، دقیق و جامعی برای آشنایی و شناخت این حوزه علمی از دانش جغرافیا وجود ندارد.

درحالی‌که معمولاً فرهنگ‌های لغت در پرداختن به این بحث، بسیار مختصر و محدود عمل می‌کنند، مجموعه کتاب‌های مفاهیم کلیدی در جغرافیای انسانی به عنوان کتب درسی طوری طراحی شده‌اند که به‌طور گسترده به مرور موضوعات خاص و یا فاشفه جغرافیای انسانی می‌پردازند، و حتی گاهی مرور خیلی دقیقی از مفاهیم خاص، مبانی و اصول آنها، توسعه آنها در گذر زمان و کاربردهای تجربی آنها ارائه می‌دهند که کتاب حاضر نیز به عنوان نمونه‌ای از کتب مذکور چنین طراحی شده است. همچنین، یکی دیگر از مشکلات جامعه دانشگاهی ما استفاده از جزوات درسی است که معمولاً در این جزوه‌ها بر روی موضوعات خاص و تعداد محدودی از مفاهیم در یک سطح پیشرفته تمرکز می‌شود، و از اینرو این جزوات در ارائه یک نمای کلی گسترده و قابل دسترس از انواع مختلف مفاهیم مورد استفاده در درس مربوطه ناموفق هستند و

دانشجویان نمی‌توانند در درس مذکور، حداقل ازلحاظ آشنایی و شناخت با مفاهیم موجود رابطه عمیقی برقرار نمایند و در نتیجه دانشجویان رشته‌های مختلف دانش جغرافیا در ایران، به‌ویژه در زمینه دروس پایه مثل جغرافیای اقتصادی، جغرافیای فرهنگی، جغرافیای سیاسی و ... دوره‌های مختلف آموزشی را خیلی ناقص و عقیم طی می‌کنند و این باعث می‌شود دانشجویان ما برخلاف تصور عمومی، در جامعه دانشگاهی ما با فاصله‌های خیلی زیادی نسبت به دانش معاصر جغرافیا و پویایی‌های به‌روز آن تربیت شوند که محصول نهایی آن قطعاً و قطعاً در جامعه علمی غریب‌پویا و حتی عقب‌مانده امروز دانش جغرافیا در ایران خلاصه می‌شود.

به‌عنوان نمونه، امروزه سیستم آموزشی دانش جغرافیا در ایران طوری عمل می‌کند که مثلاً دانشجویی که اقدام به جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و یا هر گرایش دیگری را می‌خواند، چنین تصور می‌کند که دروس پایه و اصلی در زمینه تخصص علمی او نقش خاص و یا بسزایی ندارند و حتی گاهی چنین حسی متأسفانه از طرف برخی اساتید - چه در گفتار و چه در عمل - بر دانشجوی منتقل می‌شود که نتیجه آن در تربیت دانشجوی تک‌بعدی (صرفاً در تخصص اصلی) خلاصه می‌شود که حتی در این زمینه نیز گاهی تشبیه بان ما با معیارها و سطوح علمی معاصر دانش جغرافیا در جهان (حتی در شناخت مفاهیم) فاصله زیادی دارند. درحالی‌که حداقل به اعتقاد من کسی که جغرافیا می‌خواند و پس از آموزش، به‌ایک جغرافیدان وارد جامعه دانشگاهی می‌شود، حداقل بایستی جغرافیدان تربیت شود. منظور از جغرافیدان این است که جغرافیدان بایستی به تمامی وجوه فضای جغرافیایی آشنایی داشته باشد (البته، به‌شرایط کامل)؛ مثلاً فردی که در حوزه اقلیم آموزش دیده، اگر در زمینه دروس پایه و اصلی جغرافیا به‌خوبی آموزش داده شود، دیگر در تحلیل ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی برای حوزه اقلیم درمانده نخواهد بود، همانطور که در جامعه دانشگاهی غرب این مشکل یا وجود ندارد و یا خیلی کم‌رنگ است. در مثالی دیگر می‌توان به حوزه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری اشاره کرد که در این حوزه اکثر کارها و مطالعات ما صرفاً در ابعاد خاصی از برنامه‌ریزی شهری خلاصه می‌شود. به اعتقاد من، فردی که برای نمونه، به‌عنوان جغرافیدان و برنامه‌ریز شهری تربیت می‌شود، بایستی حداقل به مفاهیم جغرافیای اقتصادی، جغرافیای فرهنگی، جغرافیای سیاسی و ... آشنایی نسبی داشته باشد. چرا که در برنامه‌ریزی فضای شهری، جغرافیدانان پیش از هر چیزی با یک فضای اقتصادی (شهرها به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد ملی و حتی جهانی و ... عمل می‌کنند)، فضای فرهنگی

(شهرها مهد تمدن بشریت هستند، تمدن و فرهنگ در شهرها شکل می گیرند، شهرها محل پویایی ها و حتی افول فرهنگی به حساب می آیند و ...) و فضای سیاسی (شهرها اصالتاً یک پدیده سیاسی و با بازیگران و فضاها، و نمادهای سیاسی بشمار می روند) مواجه هستند و برنامه ریزی های فضایی لاجرم تحت تأثیر این هویت های چندگانه قرار می گیرند که در این بین، اگر این ارتباط به خوبی برقرار شود مدیریت شهری ما مسلماً مدیریت بهینه ای خواهد بود.

موضوعاتی که مطرح شدند، تنها بخش ناچیزی از مشکلات سیستم آموزشی دانشگاهی ما به ویژه در حوزه آموزش جغرافیا بشمار می روند و هدف از اشاره به این موضوع در مقدمه این کتاب، زمینه سازی و تلاش مشترک جامعه علمی جغرافیا برای برون رفت از وضعیت موجود است که در این زمینه به نظر می رسد تهیه و ارائه کتب درسی جامعی (تألیف و یا ترجمه) از مباحث اصلی و معاصر دانش جغرافیا - البته، همراه با ترغیب جامعه دانشگاهی به کتاب خوانی - نقش مؤثری می تواند ایفا نماید و در واقع، کتاب حاضر (مفاهیم کلیدی در جغرافیای اقتصادی) نیز با هدف مذکور آماده شده به جامعه علمی دانش جغرافیا ارائه می گردد.

به عبارتی، کتاب حاضر با ارائه شرح ها و مباحث مفصل از مفاهیمی که در کانون تحقیقات نظری و تجربی جغرافیای اقتصادی قرار دارند تا حد امکان به دنبال پر کردن شکاف موجود می باشد. در همین ارتباط، این کتاب نیز از یک فصل مقدماتی تشکیل شده که عمده تحولات مفهومی جغرافیای اقتصادی را در گذر زمان مورد مطالعه قرار می دهد و در ادامه شامل ۶ فصل و ۲۳ بحث مجزا و مختلف پیرامون مفاهیم اصلی و کلیدی جغرافیای اقتصادی می باشد که ابزارهای نظری مهمی را برای جغرافیدانانی که در یک زمینه خاص فعالیت می کنند ارائه می دهند. هر مبحث، نخست به ارائه شرح مفصلی از مفهوم مورد بحث می پردازد، تعاریف و رویکردهای بحث برانگیز آن را مطالعه می کند، و درعین حال، مسیر تحول چگونگی استفاده از مفهوم مذکور برای آشنایی با و یا به عبارتی تبیین پدیده های خاص جغرافیایی را مورد بررسی قرار می دهد و حتی در آخر بحث، پیشنهاداتی را نیز برای مطالعات بیشتر ارائه می دهد. البته، در پایان همه مباحث ها، در ارتباط با تشریح برخی اصطلاحاتی که در متن بکار رفته اند، توسط مترجم توضیحاتی اضافی نیز در قالب یادداشت های آخر مبحث ها، افزوده شده است. از این رو، می توان این کتاب را به منزله یک راهنمای ارزشمند برای جغرافیدانان در ارتباط با تحقیق، شناخت و تشریح - تبیین مسائل خاص اقتصادی - جغرافیایی فضای پیرامونی در نظر گرفت. بنابراین، کتاب حاضر با توجه به

وسعت مباحث آن، به‌ویژه به دلیل خلأ و شکاف موجود در زمینه ادبیات جغرافیای اقتصادی در ایران، منبع خوبی برای علاقمندان علوم جغرافیایی محسوب می‌شود و مطالعه آن برای تمامی دانشجویان جغرافیا به‌ویژه برای درس «مبانی جغرافیای اقتصادی» توصیه می‌شود.

در خاتمه، لازم می‌دانم خرسندی خود را از ترجمه و ارائه این کتاب به جامعه علمی جغرافیا ابراز داشته و امیدوارم این کتاب مورد قبول و استقبال همگان واقع شود. همچنین، لازم می‌دانم از همکاران محترمی که به‌ویژه از رشته‌های اقتصاد در دانشگاه تبریز و گروه‌های جغرافیا و زبان انگلیسی دانشگاه مراغه، به‌ویژه دکتر فرهاد مظلوم که اینجانب را در مسیر ترجمه و معادل‌یابی دقیق برخی از اصطلاحات همراهی کرده‌اند تشکر و قدردانی نمایم.

مسلماً این اثر نیز مثل هر ترجمه دیگری و سایر کارهای اینجانب، علاوه بر نقاط قوت، با نقایص و ضعف‌های متفاوت نیز روبرو است که در این زمینه انتظار می‌رود پژوهشگران و دوستان محترم با بررسی و نقد ترجمه کتاب و طبیعتاً اعلام پیشنهادات ارزشمند خود، جهت اعمال در چاپ‌های بعدی بر غنای عددین اثر یافزایند.

علی ولیقلی‌زاده

(عضو هیأت علمی دانشگاه مراغه)

زمستان ۱۳۹۵

مقدمه

جغرافیای اقتصادی چیست؟

عوامل اصلی معطوف به رشد اخیر اقتصاد چین و افت مرتبط اقتصاد ایالات متحده کدامند؟ چه چیزی به تشریح و تبیین فقر حاکم بر حیات اقتصادی شهرهای جهانی مثل نیویورک، لندن و توکیو می‌پردازد، چه چیزی ظهور محلات زاغه‌نشین و وسیع شهری در کلکته را برمی‌انگیزد؟ تأثیرات جهانی شدن بر اطفال و بیشتر مردمی در بخش‌های مختلف جهان کدامند؟ اصولاً، تشریح علل و پیامدهای توسعه نامتوازن در داخل مناطق و بین آنها از نگرانی‌های اصلی جغرافیدانان اقتصادی است. هدف این بخش ارائه توضیحات چندوجهی درباره فرایندهای اقتصادی - رشد و شکوفایی و همچنین بهران در اقتصاد - است که در سراسر سرزمین در مقیاس‌های مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی متجلی می‌شوند. جغرافیدانان اقتصادی معاصر از لحاظ جغرافیایی عوامل خاصی را مطالعه می‌کنند که به فرایندهای اقتصادی شکل می‌دهند و به شناسایی عوامل کلیدی (برای نمونه شرکت‌ها، نیروی کار و رشت‌ها) و محرک‌انی (برای نمونه، نوآوری، نهادها، کارآفرینی و دسترس‌پذیری) که به توسعه و تغییر نابرابر در سرزمینی (برای نمونه، خوشه‌های صنعتی، نابرابری‌های منطقه‌ای و مرکز-پیرامون) منجر می‌شوند، می‌پردازند.

در طول تاریخ، جغرافیدانان اقتصادی از لحاظ جغرافیایی قابلیت‌های ویژه و محدودیت‌های مختلفی را به‌عنوان محرکان توسعه سرزمینی مورد توجه قرار داده‌اند. در دوران اولیه این رشته علمی، اقتصاد تحت سلطه فعالیت کشاورزی بود و بنابراین اقلیم و منابع طبیعی به‌عنوان منبع عرضه نیروی کار از اهمیت زیادی برخوردار بودند. با پیشرفت روند صنعتی شدن در طول قرن بیستم، تمرکز به سمت جغرافیای شرکت‌ها و صنایع، دستمزدهای کارگری، فرایندهای تولید، فن‌آوری و نوآوری، کیفیت و مهارت نیروی کار، و نقش دولت در تهیج و ترویج صنعتی‌سازی برگشت. همین اواخر نیز، بجای قابلیت‌ها و منابع خاص از لحاظ جغرافیایی در شکل شاخص‌های ملموس و قابل‌سنجش، پژوهش درباره عوامل غالباً غیرقابل‌سنجش و ناملموس مؤثر در توسعه سرزمینی، به‌ویژه

موقعیت‌های اجتماعی مثل نهادها، شبکه‌ها، دانش و فرهنگ مورد توجه قرار گرفته است. در این بین، تحلیل‌هایی که به شناسایی تفاوت‌های موجود میان عوامل اقتصادی می‌پردازند، در میان سایر چیزها، نژاد، طبقه و جنسیت را مورد توجه قرار می‌دهند. همچنین، موضوعات پژوهشی جدیدی در حال ظهور هستند، مثل موضوعاتی که به‌عنوان نمونه بر فرایند مالی‌شدن، مصرف، اقتصاد دانش و توسعه پایدار متمرکز هستند.

باین وجود، جغرافیای اقتصادی اغلب به‌عنوان گرایشی از دانش جغرافیا، صحیح درک نشده است. این شناخت ناصحیح را تا حدودی می‌توان به ریشه‌های آن، روش‌های دگراندیش و علایق مخفیان آن که با بسیاری از علوم اجتماعی تداخل دارند نسبت داد. همانطور که خواهیم دید، جغرافیای اقتصادی معاصر تاریخچه طولانی دارد و بیانگر طیف وسیعی از تأثیرات درون و برون رشته‌ای در زمینه‌هایی مثل اقتصاد جغرافیایی، علوم منطقه‌ای، مطالعات شهری/ منطقه‌ای، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، جامعه‌شناسی اقتصادی است. علی‌رغم شبکه پیچیده و متنوعی از تأثیرات، جغرافیای اقتصادی با علایق مشترکی در فرایندهای اقتصادی به‌عنوان فرایندهای اساساً سرزمینی که به‌عنوان سرنوشت اقتصادی جوامع، شهرها و مناطق متجلی می‌شوند مقید به یکدیگر هستند. هدف از این شاخه علمی شناخت فرایندهای اقتصادی مکان، بجای استفاده از عوامل اقتصادی به‌عنوان متغیرهای مستقل و وابسته برای تشریح تغییرات محیطی (اکولوژی‌های فرهنگی) و یا تغییرات اجتماعی - فرهنگی (ج.ا.های فرهنگی/ اجتماعی) است.

منشأ و تکامل تدریجی جغرافیای اقتصادی

تفاسیر مختلفی درباره منشأ و پیشینه تاریخی جغرافیای اقتصادی وجود دارد. برخی استدلال می‌کنند که ریشه‌های اولیه جغرافیای اقتصادی ارتباط عمیقی با امپریالیزم بریتانیا دارد، امری که مستلزم مطالعه جغرافیای تجاری به‌منظور شناخت بهتر و توسعه مسیرهای تجارت و مدل‌های حمل و نقل بود (Barnes, 2000). برخی دیگر نظریات مکان‌یابی آلمانی (Germanic location theories) هاینریش فن تونن^۱ و الفرد وبر^۲ (کسی که بعدها والتر کریستالر^۳ و اگوست لوش^۴ از وی تبعیت کردند) را به‌عنوان سرچشمه جغرافیای اقتصادی بیان می‌کنند. هدف آنها با توجه به

^۱ Heinrich Von Thünen

^۲ Alfred Weber

^۳ Walter Christaller

^۴ August Lösch

قابلیت‌ها و دسترس‌پذیری جغرافیایی (به‌عنوان نمونه: مسیرهای حمل‌ونقل)، توسعه الگوهای مکان‌یابی مطلوب برای کارآیی بهینه مزارع، کارخانه‌ها و شهرها بود. در ادامه، به لطف والتر ایزارد^۱ مدل‌سازی در زمینه مکان‌یابی حتی از مرزهای اقیانوس اطلس - حریم جغرافیای اقتصادی آمریکای شمالی که نقش مهمی در توسعه دانش منطقه‌ای ایفا کرد - فراتر رفت.

با این وجود، یکی دیگر از خواستگاه‌های جغرافیای اقتصادی را بایستی در اندیشه‌های آلفرد مارشال^۲ جستجو کرد، اقتصاددان معروف بریتانیایی که از چهره‌های مهم «انقلاب نهاییون» (marginal revolution) بود که دنیای اقتصاد را در اوایل قرن بیستم متحول کرد. مارشال جزو اولین کسانی بود که پدیده «تجمعات صنعتی» (industrial agglomerations) را مطرح کرد و بر اهمیت «اقتصاد مقیاس و یا صرفه‌جویی به نسبت مقیاس» (economies of scale) (برای نمونه: به اشتراک‌گذاری نیروی کار و زیرساخت‌ها) در صنعتی‌شدن تأکید نمود. امروزه، اگرچه اقتصاددانان بیش از بعد اقتصادی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و نهادی خوشه‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند، ولی پژوهش درباره تجمعات/خوشه‌ها در کانون توجه مباحث معاصر جغرافیای اقتصادی قرار می‌گیرند. نهایتاً، حتی می‌توان منشأ جغرافیای اقتصادی را در جغرافیای انسانی - زیست‌محیطی آمریکای شمالی نیز ردیابی کرد که در آن استفاده از منابع غنی استخراجی به‌طرز مشابهی پژوهشگران و سیاستگذاران را به خود مشغول می‌شد. به‌عنوان نمونه: زمانی که مجله جغرافیای اقتصادی در ۱۹۲۵ در دانشگاه کلارک تأسیس شد، هدف از آن دیو. اتوود^۳ سردبیر مؤسس مجله این بود که حوزه‌های پژوهشی مربوط به سازگاری‌های انسانی با منابع طبیعی را در فرایند صنعتی‌شدن تحت پوشش قرار دهد. او در این زمینه چنین می‌نویسد:

ما به‌عنوان شهروندان مدرن و با منافع مشترک، صرفاً وقتی که نسبت به منافع و محدودیت‌های اراضی زیست‌پذیر زمین آگاهی پیدا می‌کنیم، آماده‌ایم که در مشکلات کلان

مناسبات اقتصادی و اجتماعی ملی و بین‌المللی هوشمندانه رفتار نماییم (Atwood, 1925).

موضوعات تحت پوشش این شماره عمدتاً در صنایع منابع طبیعی از قبیل چوب، زغال‌سنگ، گندم و تجارت حبوبات خلاصه شده بودند و همچنین در شماره مذکور موضوع جمعیت در ارتباط با اراضی زراعی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته بود.^(۱)

^۱ Walter Isard

^۲ Alfred Marshall

^۳ Wallace W. Atwood